

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



■ طرح مطالعاتی آثار استاد شهید مرتضی مطهری ■

فطرت انسان

فطرت انسان

فهرست مطالب

۱۰	مقدمه.....
۱۳	درس اول: معنای فطرت
۱۳	که سوالات انگیزشی و امتحانی.....
۱۴	طرح بحث.....
۱۴	فروغات بحث.....
۱۵	لغت «فطرت».....
۱۶	سخن ابن اثیر.....
۱۷	سخن ابن عباس.....
۱۸	مفهوم ابتدایی بودن در لغت «فطرت».....
۱۹	معنای «صبغه» و «حنیف».....
۲۲	توضیحی پیرامون سه لغت.....
۲۲	۱. طبیعت.....
۲۳	۲. غریزه.....
۲۴	۳. فطرت.....
۲۵	فطریات انسان.....
۲۸	درس دوم: فطریات انسان
۲۸	که سوالات انگیزشی و امتحانی.....
۲۹	نقطه مقابل نظریه فطرت.....
۳۰	نظریه هگل درباره اختلاف ماهوی اشیاء.....
۳۱	انسان ناشناخته‌ترین موجود.....
۳۲	شناخت‌های انسان:.....
۳۲	۱. نظریه بعضی مفسرین.....
۳۳	۲. نظریه افلاطون.....
۳۳	۳. نظریه فلاسفه اسلامی و فلاسفه غرب.....
۳۵	۴. نظر قرآن.....
۳۷	نظر منکرین اصول اولیه فکر و نتیجه آن.....
۳۹	جمع‌بندی فطریات شناختی.....
۳۹	فطریات در ناحیه خواست‌ها.....
۴۳	درس سوم: گرایش‌های مقدس ۱
۴۳	که سوالات انگیزشی و امتحانی.....

۴۴	تحلیل معنای فطرت
۴۴	گونه‌ای دیگر از خلقت
۴۵	بررسی نظریه اکتسابی بودن دین
۴۶	نظریه قرآن
۴۸	امتیازات انسان از دیگر جانداران
۵۱	گرایش‌های فطری
۵۱	۱. حقیقت‌جویی
۵۴	۲. گرایش به خیر و فضیلت
۵۵	۳. گرایش به جمال و زیبایی
۵۷	۴. گرایش به خلاقیت و ابداع
۵۸	۵. عشق و پرستش
۶۰	درس چهارم: گرایش‌های مقدس ۲
۶۰	کھ سوالات انگیزشی و امتحانی
۶۲	نظریات درباره ماهیت عشق
۶۲	۱. نظریه متروک
۶۲	۲. تک‌ماهیتی
۶۲	۳. دوماهیتی
۶۵	تقدیس عشق
۶۷	۴. نظریه جمع
۶۷	سخن ویلیام جیمز
۶۸	راسل و تقدیس عشق‌های شرقی
۶۸	توجیه پنج مقوله مذکور
۶۹	توجیهات دیگر
۷۱	حسیون شجاع و حسیون مزور
۷۲	مادیون شجاع و مادیون مزور
۷۳	یگانه راه توجیه ارزش‌های انسانی
۷۵	درس پنجم: تکامل اصالت‌های انسانی
۷۵	کھ سوالات انگیزشی و امتحانی
۷۶	منکران اصالت‌های انسانی
۷۷	قبول اصالت‌های انسانی غیرفطری
۷۸	مفهوم تکامل اصالت‌های انسانی

۷۹	تکامل در انسانیت.....
۸۱	تردید در تکامل بشر.....
۸۱	نظریه مارکسیسم درباره تکامل بشر و نقد آن.....
۸۲	اگزستانسیالیسم و اصالت‌های انسانی.....
۸۵	نقد و بررسی.....
۸۷	یگانه راه‌حل.....
۸۷	نظریه تنافی فطرت با آزادی انسان.....
۹۰	درس ششم: نظریه فطرت در آینه نظریات رقیب.....
۹۰	کس سوالات انگیزشی و امتحانی.....
۹۱	نظریه برگزیده.....
۹۲	علائم امور فطری.....
۹۲	۱. عمومیت.....
۹۴	۲. غیرقابل ریشه‌کن شدن.....
۹۴	علت اعراض از دین.....
۹۵	خلاصه نظریات مقابل فطرت.....
۹۶	نظریه روح اجتماعی.....
۹۹	نظریه محیط.....
۱۰۰	ماهیت عادت.....
۱۰۱	اصل انطباق با محیط.....
۱۰۲	سازندگی کار و عمل در انسان.....
۱۰۳	نقد و بررسی.....
۱۰۶	ناسازگاری نظریه کار با مادی‌گرایی.....
۱۰۷	خلقت اولی و ثانوی در انسان.....
۱۰۸	طرح بحث جدید.....
۱۰۹	درس هفتم: منشأ پیدایش دین و مذهب ۱.....
۱۰۹	کس سوالات انگیزشی و امتحانی.....
۱۱۰	تعصب در لامذهبی.....
۱۱۲	نقص و نقض بحث از خود بیگانگی در اروپا.....
۱۱۲	منشأ پیدایش دین از نظر فویرباخ.....
۱۱۴	نقد نظریه فویرباخ.....
۱۱۵	نظریه آگوست کنت و اسپنسر درباره پیدایش مذهب.....

۱۱۷.....	نقد و بررسی
۱۱۷.....	نظریه راسل
۱۱۸.....	نقد و بررسی
۱۲۰.....	داستان حضرت ابراهیم علیه السلام
۱۲۱.....	فکر خدا در بشر ابتدایی
۱۲۵.....	درس هشتم: منشأ پیدایش دین و مذهب ۲
۱۲۵.....	سؤالات انگیزشی و امتحانی
۱۲۶.....	مارکسیسم و پیدایش دین
۱۲۸.....	نظریه مارکسیسم و تاریخ ادیان
۱۳۰.....	ظهور دینداری در تمام اقشار و طبقات
۱۳۲.....	سخن ویل دورانت
۱۳۴.....	بررسی و نقد نظریه دور کهیم
۱۳۵.....	منشأ پیدایش دین از نظر دور کهیم
۱۳۸.....	نقد نظریه دور کهیم
۱۴۰.....	درس نهم: نظر قرآن درباره منشأ دین
۱۴۰.....	سؤالات انگیزشی و امتحانی
۱۴۳.....	معنای فطری بودن دین
۱۴۳.....	فطری بودن جستجوی خدا
۱۴۵.....	فطری بودن قبول وجود خدا
۱۴۷.....	گرایش فطری به خداوند
۱۵۰.....	آیاتی در زمینه فطرت
۱۵۰.....	آیه ذر
۱۵۲.....	تفسیر مشهور درباره عالم ذر
۱۵۳.....	نظر سید مرتضی
۱۵۵.....	نظر علامه طباطبائی رحمته الله علیه
۱۵۶.....	تلازم خودشناسی و خداشناسی
۱۵۸.....	درس دهم: فطرت و هدایت عامه
۱۵۸.....	سؤالات انگیزشی و امتحانی
۱۵۹.....	تفسیر آیه فطرت در سوره روم
۱۶۲.....	علت غایی
۱۶۳.....	هدایت درونی در موجودات

نیاز به اجتماعی بودن در انسان	۱۶۶
فرق حکمت عملی با علوم دیگر	۱۶۶
پاسخ به یک سؤال	۱۶۷
ریشه بایدها	۱۶۹
فطرت در احادیث	۱۷۰
۱. دو حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله	۱۷۰
۲. حدیثی از نهج البلاغه	۱۷۲
۳. حدیثی از صحیفه سجادیه	۱۷۳
فطرت در کلام شعرای عارف مسلک	۱۷۵



بسم الله الرحمن الرحيم

پس از حمد و تسبیح خدای تعالی، سلام و درود خویش را به روان پاک استاد شهید مرتضی مطهری رحمته الله علیه نثار می‌داریم که با شعاع فروزان خود، مردگان را حیات بخشید و به ظلمت‌ها نور افشاند. معلم شهیدی که پس از گذشت چند دهه از شهادتشان آثار و مآثر باقیمانده از آن فقید سعید همچنان از طراوت و سرزندگی خاصی برخوردار بوده، جوابگوی بسیاری از مسائل و نیازهای فکری جامعه می‌باشد. از این رو ولی معظم فقیه آثار ایشان را به عنوان مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی معرفی نموده است.

در طول سالیان پس از شهادت ایشان، خصوصاً در سال‌های اولیه پس از شهادت، زحمات زیادی در تنظیم و چاپ آثار استاد صورت پذیرفته که جای تقدیر و تشکر دارد، اما با توجه به تجربه مستمر طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری و بازخورد نظرات مخاطبین و اندیشه‌جویان، لزوم بازنگری در نحوه چینش مطالب استاد، مشهود می‌باشد؛ بنا به ضرورت فوق، دبیرخانه بینش مطهر، به منظور ایجاد نظام فکری، اقدام به بازنگری و بازسازی آثار ایشان نموده است.

ویژگی‌های کتاب «فطرت انسان»

- ۱- مسئله فطرت که استاد مطهری آن را مانند مسئله توحید «ام‌المسائل» یا «ام‌المعارف» می‌دانند، یکی از زیربناترین مسائلی است که فهم و درک صحیح آن برای پی بردن به معارف اصیل دینی و همچنین اندیشه‌های استاد مطهری راهگشا

می‌باشد. مسئله فطرت در اندیشه استاد چنان از اهمیت بالایی برخوردار است که وقتی از ایشان پرسیده می‌شود اگر بنا باشد شما را فیلسوفی در موضوعی بنامیم، شما را فیلسوف چه بدانیم؟ استاد شهید می‌پسندید که ایشان را فیلسوف فطرت بدانند و تأکید داشتند که در این موضوع لازم است کار زیادی صورت بگیرد.

استاد شهید مطهری در چهار محفل طی جلساتی به موضوع فطرت پرداخته‌اند که یکی از آنها مجموعه سخنرانی‌هایی بوده که برای معلمین مدرسه نیکان داشته‌اند و به چاپ رسیده و دیگری سخنرانی‌های دقیق‌تری مربوط به جلسات انجمن پزشکان بوده است که علی‌رغم اهمیت آن، تا کنون نشر پیدا نکرده است، متأسفانه دو مجموعه سخنرانی دیگر استاد در زمینه فطرت در دسترس قرار نگرفته است.

۲- در کتاب حاضر یازده جلسه سخنرانی استاد در جمع دبیران مدرسه نیکان و شش جلسه سخنرانی در انجمن پزشکان تلفیق شده و مجموعاً در قالب ده درس ارائه می‌گردد.

۳- به منظور استفاده هرچه بیشتر اندیشه‌جویان از مطالب استاد شهید، مباحث به صورت درسی ارائه شده و در ابتدای هر درس سؤال‌های اصلی و انگیزشی آن قسمت آورده شده است.

۴- آن قسمت از یادداشت‌های استاد که حاوی مطلب جدیدی بوده است در پاورقی قسمت مربوطه آورده و با عنوان «یادداشت استاد» متمایز شده است.

همچنین از دیگر آثار استاد شهید چنانچه مطلبی جدید و مرتبط با موضوع بحث یافت شده، با عنوان «مطلب تکمیلی» در پاورقی آورده شده است.

۵- با توجه به اینکه شهید مطهری بسیاری از سخنرانی‌ها و نوشته‌های خویش را در مقاطع زمانی مختلف و در مکان‌های متفاوت ایراد و نوشته است، لذا طبیعی است که بعضی از مطالب تکرار شود. برای جلوگیری از ملالت مخاطب از مطالعه مطالب تکراری، در صورت امکان و عدم انقطاع مطالب تکرار شده را حذف و یا به پاورقی منتقل کرده‌ایم.

۶- مطالعه، مباحثه و تدریس این کتاب برای چهار هفته در نظر گرفته شده است که برنامه زمان‌بندی مطالعاتی و مقرری این کتاب به شرح زیر می‌باشد:

هفته اول	ابتدا تا درس سوم	۴۵ صفحه
هفته دوم	درس چهارم تا ششم	۵۰ صفحه
هفته سوم	درس هفتم تا دهم	۶۵ صفحه

۷- چرایی و چگونگی سیر مطالعاتی برنامه‌ریزی شده در چهار سطح، در کتاب بینش مطهر توضیح داده شده است. اندیشه‌جویان لازم است در ابتدا چگونگی مواجهه با آثار استاد شهید مطهری را از کتاب بینش مطهر، مطالعه نمایند.

۸- کتاب‌های شهید مطهری در چهار سطح به ترتیب زیر طراحی شده است:

سطوح چهارگانه سیر مطالعاتی بینش مطهر (۴ سطح در ۱۱ مرحله)

سطح یک	سطح دو	سطح سه	سطح چهار
مرحله اول	مرحله اول	مرحله اول	مرحله اول
۱. بینش مطهر	۱۳. تربیت و رشد اسلامی	۲۲. اسلام و ملی‌گرایی	۳۱. نهجی به نهج‌البلاغه
۲. آزادی انسان	۱۴. عقل و علم	۲۳. بیداری اسلامی	۳۲. معرفت‌شناسی
۳. آزادی بندگی، هدف زندگی	۱۵. اخلاق اسلامی	۲۴. ولایت فقیه و روحانیت	۳۳. علم اخلاق
۴. خدا در زندگی انسان	۱۶. حق و عدالت	۲۵. احیای تفکر دینی و علل دین‌گریزی	۳۴. عرفان اسلامی
مرحله دوم	مرحله دوم	مرحله دوم	مرحله دوم
۵. سیره نبوی	۱۷. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد اول (مبانی)	۲۶. اسلام و توسعه	۳۵. خداشناسی
۶. تبلیخ	۱۸. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد دوم (اخلاق جنسیتی)	۲۷. پایان پیامبری	۳۶. عدل و قدر
۷. مسئله نفاق	۱۹. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد دوم	۲۸. انسان‌شناسی	۳۷. جامعه‌شناسی و تاریخ
۸. سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)	۲۰. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد چهارم	۲۹. فطرت انسان	۳۸. پیامبرشناسی
مرحله سوم	مرحله سوم	مرحله سوم	مرحله سوم
۹. نهضت حسینی	۲۱. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد پنجم (حجاب)	۳۰. کمال انسان و انسان کامل	۳۹. امام‌شناسی
۱۰. امر به معروف و نهی از منکر			
۱۱. سیره معصومین (علیهم السلام)			
۱۲. مه‌دویت			۴۰. رستاخیز

کتاب ضمائیم (۱- اقتصاد اسلامی ۲- تاریخ عقاید اقتصادی ۳- کتب مباحث فلسفی)

* مفاد کلیه مباحث تفسیری استاد در کتب بینش و رفتار قرآنی توسط انتشارات بینش مطهر به چاپ رسیده است.

در پایان با توجه به اینکه ممکن است در چپ‌نش مطالب کتاب، بتوان با نظم و ترتیب‌بندی بهتر، نتیجه مناسب‌تری از تأثیر مباحث استاد مطهری برای مخاطبین این اندیشه‌های بلند حاصل گردد، از مخاطبین و اندیشه‌جویان این آثار گران‌سنگ متواضعانه درخواست می‌گردد، ما را از راهنمایی‌های ارزشمند خود بهره‌مند فرمایند.

و من الله التوفیق

دبیرخانه بینش مطهر

سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی

درس اول: معنای فطرت

سؤالات انگیزشی و امتحانی

۱. آیا بحث از فطرت یک بحث فلسفی است یا اینکه سبقه قرآنی دارد؟

۲. آیا کاربرد کلمه «فطرت» برای انسان پیش از قرآن هم سابقه داشته است؟ دلیل شهید مطهری رحمته الله علیه برای مدعایشان در این موضوع چیست؟

۳. کاربرد کلمه «فطرت» در قرآن به چه نحو است؟ چه کلمات دیگری در قرآن کریم نزدیک به «فطرت» هستند؟ نسبت آنها از لحاظ معنا و کاربرد با «فطرت» چیست؟

۴. با توجه به حدیث امام باقر علیه السلام معنای حدیث نبوی «کل مولود یولد علی الفطره» چیست؟

۵. کلمه «فطرت» به چه معناست و چه تفاوتی با دو کلمه «طبیعت» و «غریزه» دارد؟

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح بحث

موضوع بحث «فطرت» است. بحث فطرت از یک طرف یک بحث فلسفی است... موضوعات مهم فلسفه این سه موضوع است: خدا، جهان، انسان. این بحث، بحثی است مربوط به «انسان» و می‌توان گفت از یک نظر و از یک شاخه مربوط است به انسان و خدا؛ یک سر مسئله انسان است و سر دیگر آن، خدا. در منابع اسلامی؛ یعنی در قرآن و سنت، روی اصل فطرت تکیه فراوان شده است که مقداری از آنها را که قبلاً یادداشت کرده‌ام در این جلسه مطرح می‌کنم. اینکه قرآن برای انسان قائل به فطرت است یک نوع بینش خاص درباره انسان است.

کلمه «فطرت» چه کلمه‌ای است و آیا قبل از قرآن کسی این کلمه را در مورد انسان استعمال کرده است؟ یا از جمله کلماتی است که برای اولین بار قرآن آن را در مورد انسان به کار برده است؟ ظاهراً این کلمه قبل از قرآن سابقه‌ای ندارد و برای اولین بار قرآن این لغت را در مورد انسان به کار برده است که بعد قرائنش را عرض می‌کنم.

ما ابتدا باید ببینیم که خود لغت «فطرت» چه لغتی است و دقیقاً ریشه این لغت را به دست آوریم. مسئله دیگری که باید در اینجا بحث کنیم این است که آیا انسان به طور کلی یک سلسله فطریات (که آن را تعریف خواهیم کرد) دارد یا ندارد و فاقد هرگونه فطرت است؟

بحث سوم ما درباره خصوص دین خواهد بود که آیا دین، فطری است و یا فطری نیست؟ قرآن صریحاً فرموده است که دین فطری است. ما باید یک بحث علمی روی انسان و روی دین بکنیم و ببینیم آیا اساساً دین فطری است و یا فطری نیست.

فروع بحث

البته این مسئله شاخه‌های زیادی در جاهای مختلف پیدا می‌کند؛ از جمله در بحث تعلیم و تربیت که بحث بسیار وسیعی است. اگر انسان دارای یک سلسله فطریات باشد قطعاً تربیت او باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد و اصل لغت «تربیت» هم اگر به کار برده می‌شود (چه آگاهانه و چه غیرآگاهانه) بر

همین اساس است، چون «تربیت»، یعنی رشد دادن و پرورش دادن، و این مبنی بر قبول کردن یک سلسله استعدادها و ویژگی‌ها در انسان است.^۱

یکی از مسائل مهم در فلسفه‌های انسانی امروز و در جامعه‌شناسی‌ها مسئله «تکامل تاریخ» است. اگر ما برای انسان به فطرت قائل باشیم «تکامل تاریخ» را به شکلی باید توجیه کنیم و اگر به فطرت قائل نباشیم - همان‌طور که بسیاری از مکتب‌های امروزی به کلی فطرت را از انسان نفی می‌کنند - «تکامل تاریخ» را به شکل دیگری باید توجیه کنیم. اینها بحث‌هایی است که به طور اجمال اشاره کردم.

لغت «فطرت»

حال از مسئله اول شروع می‌کنیم. لغت فطرت که در قرآن آمده است: ﴿فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۲ چه لغتی است؟ ماده فطر مکرر در قرآن آمده است: ﴿فَطَرَهُنَّ﴾^۳، ﴿فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۴، ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾^۵ و ﴿مُنْفَطِرٌ بِهِ﴾^۶. در همه جا در مفهوم این کلمه، ابداع و خلق (بلکه خلق به همان معنای ابداع) هست. «ابداع» به یک معنا یعنی آفرینش بدون سابقه. لغت «فِطْرَةَ» با این صیغه (یعنی بر وزن «فِعْلَةٌ») فقط در یک آیه آمده است که در مورد انسان و دین است که دین «فِطْرَةَ اللَّهِ» است:

﴿فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾^۷

تفسیر این آیه را بعد به تفصیل عرض می‌کنیم.

کسانی که به زبان عربی آشنا هستند می‌دانند که وزن «فِعْلَةٌ» دلالت بر نوع و گونه می‌کند. «جَلْسَةٌ»؛ یعنی نشستن، «جَلِيسَةٌ»؛ یعنی نوع خاصی از نشستن. «جَلَسْتُ جَلِيسَةً زَيْدٍ»؛ یعنی نشستم به گونه نشستن زید، همان‌گونه که زید می‌نشست. ابن مالک در الفیه می‌گوید:

۱. [در این خصوص مراجعه به بحث تعریف تربیت در درس اول کتاب تربیت و رشد توصیه می‌شود.]

۲. روم / ۳۰.

۳. انبیاء / ۵۶.

۴. انعام / ۱۴ و آیات دیگر.

۵. انفطار / ۱.

۶. مزمل / ۱۸.

۷. روم / ۳۰.

وَفَعَلَةً لِمَرَّةٍ كَجَلَسَةٍ وَفَعَلَةً لِهَيْئَةٍ كَجَلَسَةٍ

چنان‌که گفتیم در قرآن لغت «فطرت» در مورد انسان و رابطه او با دین آمده است: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»؛ یعنی آن‌گونه خاص از آفرینش که ما به انسان داده‌ایم؛ یعنی انسان به گونه‌ای خاص آفریده شده است. این کلمه‌ای که امروز می‌گویند «ویژگی‌های انسان»، اگر ما برای انسان یک سلسله ویژگی‌ها در اصل خلقت قائل باشیم، مفهوم فطرت را می‌دهد. فطرت انسان، یعنی ویژگی‌هایی در اصل خلقت و آفرینش انسان.

سخن ابن اثیر

یکی از کتب معتبری که در لغات حدیث نوشته شده است کتابی است به نام النهایة از ابن اثیر^۱ که تا حد زیادی معروف است همچنان‌که در لغات قرآن مفردات راغب کتاب بسیار نفیسی است؛ راغب لغات قرآن را خیلی خوب ریشه‌شکافی کرده است و ابن اثیر لغات حدیث را.

ما چون می‌خواهیم از مدارک معتبر شاهد آورده باشیم از این کتاب نقل می‌کنیم. ابن اثیر در النهایة به مناسبت، آن حدیث معروف را نقل می‌کند که: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ...»^۲ هر مولودی بر فطرت اسلامیّه متولد می‌شود لکن پدران او (یعنی عوامل خارجی) او را منحرف می‌کنند، یهودی یا نصرانی یا مجوسی‌اش می‌کنند، که درباره این حدیث بعد بحث می‌کنیم. چون این حدیث را نقل کرده، کلمه «فطرة» را معنی کرده است: الفطر: الابتداء و الاختراع؛ «فطر»، یعنی ابتدا و اختراع؛ یعنی خلقت ابتدایی. مقصود از خلقت ابتدایی - که ابداع هم احیاناً به آن می‌گویند - خلقت غیرتقلیدی است. کار خدا فطر است، اختراع است، ولی کار بشر معمولاً تقلید است؛ حتی در اختراعی هم که بشر می‌کند عناصر تقلید وجود دارد؛ یعنی چه؟

۱. سه برادر هستند که هر سه به نام ابن اثیر خوانده می‌شوند و هر سه از محققین علمای اسلام هستند. لقب یکی «عزالدین» و دیگری «مجدالدین» و سومی «ضیاءالدین» است. «کامل التواریخ» و «أسد الغابه» از عزالدین، و «جامع الاصول» که در حدیث است و همچنین «النهایة» که از کتاب‌های بسیار خوب و دقیق و در توضیح لغاتی است که در احادیث آمده از مجدالدین است.

۲. صحیح بخاری، کتاب الجنائز، ابواب ۸۰ و ۹۳.

کارهای بشر تقلید از طبیعت است، یعنی قبلاً طبیعتی وجود دارد و بشر آن را الگو قرار می‌دهد و براساس آن نقاشی می‌کند، صنّاعی می‌کند، مجسمه‌سازی می‌کند. بشر حیثاً اختراع و ابتکار هم می‌کند و قدرت بر اختراع و ابتکار هم دارد، ولی مایه‌های اصلی اختراع و ابتکار بشر باز خود طبیعت است، یعنی از طبیعت الگو می‌گیرد.^۱ اما خدا کار خودش را از یک صنع دیگری تقلید نکرده، چون هرچه هست صنع اوست و مقدّم بر صنع او چیزی نیست.

پس کلمه «فطر» مساوی با ابتداء و اختراع است؛ یعنی عملی که از روی چیز دیگری تقلید نشده است. بعد می‌گوید: «و الفطرة: الحالة منه كالجلسة و الركبة»، فطرت؛ یعنی حالت خاصّ و نوع خاصّی از آفرینش، مثل لغت «جلسة» و «ركبة» که به معنی نوع خاصّی نشستن و نوع خاصّی ایستادن است. «و المعنى أنّه يولد على نوع من الجبلّة و الطّبع المتّهیّء لقبول الدّین فلو ترک علیها لاستمرّ علی لزومها»؛ یعنی انسان به نوعی از جبلّت و سرشت و طبیعت آفریده شده است که برای پذیرش دین آمادگی دارد و اگر به حال خود و به حال طبیعی رها شود همان راه را انتخاب می‌کند مگر اینکه عوامل خارجی و قسری او را از راهش منحرف کرده باشد.

بعد ابن اثیر می‌گوید در حدیث، لغت «فطرت» مکرّر آمده است. مثلاً در حدیثی از پیغمبر اکرم ﷺ - که ابن اثیر ابتدای حدیث را نیاورده - آمده است: «عَلَى غَيْرِ فِطْرَةِ مُحَمَّدٍ»؛ یعنی «علی غیر دین محمد» یعنی در اینجا به جای کلمه «دین» خود کلمه «فطرت» آمده است. همچنین از علی علیه السلام نقل می‌کند: «و جَبَّارَ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَاتِهَا»؛^۲ خدای متعال که دل‌ها را آفریده است، جبار دل‌ها براساس فطرت‌های این دل‌هاست. در اینجا «فطرت» جمع بسته شده است: فطرات (فطرت‌ها). از اینجا ما یک نشانه پیدا می‌کنیم که آنچه که از نظر معارف اسلامی، فطری انسان است یک چیز نیست، بلکه انسان فطریاتی دارد. ابن اثیر گفته است: «علی فطراتها ای علی خلقها».^۳

سخن ابن عباس

حدیث عجیبی از ابن عباس نقل می‌کند که من همین حدیث را قرینه می‌گیرم بر اینکه لغت «فطرت» از لغاتی است که قرآن برای اوّل بار به کار برده است. ابن عباس

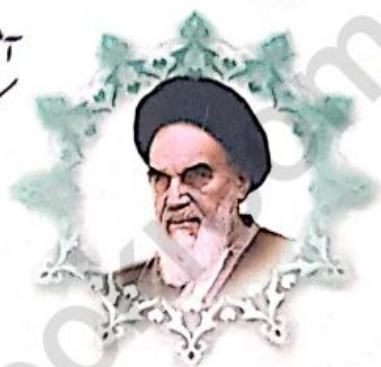
۱. در معارف اسلامی - در نهج البلاغه و غیر آن - روی این قضیه زیاد تکیه شده است و قهراً همین طور هم هست.

۲. مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۲۶۳.

۳. نهاده، ج ۳، ص ۴۵۷.



آثاری که از او هست، بی‌استثنا به آثارش خوب است
که بتوانیم بگوییم، بی‌استثنا آثارش خوب است، انسان سار و سامع



باید با برنامه ریزی زیرین می فرایم شود که طلاب، دانشجویان
و نسل جوان، دوره کتاب های شهید مطهری (ره) را مطالعه نمایند.

بیانات ولی معظم فقیه در دیدار با مسئول و استادان طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری

من این کار را کار ذی قیمتی می دانم. اولاً خود شما جوان های اهل فضل و اهل
تحقیق و دارای ایمان، با انگیزه، علاقه وافر و نیروی جوانی این کار را شروع
کرده اید. این خیلی با اهمیت است. از هر کجا که شروع کرده باشید، فکر می کنم
این کار آینده خیلی خوبی خواهد داشت؛ چون عشق و ایمان دارید...

توصیه می کنم کار را جدی بگیرید.

مرحوم شهید مطهری (ره) مرد بسیار عمیقی بود و از ارزش های لازم برای این
تحقیقات برخوردار بود. فلسفه می دانست، کلام می دانست، فقه و تاریخ
می دانست. خودش مرد بافکری بود. بسیار پرمغز و فکور و عمیق بود. در هر بحثی
وارد می شد، زوایای بحث را کاوش می کرد. بنابراین آثارش خیلی با ارزش است.
یک وقت من به دوستان طلبه توصیه می کردم که اگر کسی فقط آثار وی را با
دقت و به طور کامل بخواند، کافی است که او را به یک سطح راقی از معارف
اسلامی برساند. حالا شما اینها را تخلص و تلخیص کرده اید و به صورت
برنامه ریزی شده تهیه کرده اید که قابل تقدیر است...

